



**گفت‌و‌گوی «جوان» با فوق‌دکترای علوم تحقیقی و مشارکت جوامع علمی از دانشگاه کارولینا**

# غرب‌در تناقض از دواج‌وروابط جنسی‌ظلم‌به‌زنان‌و‌مردان‌می‌کند

**در قوانین غربی از دواج زیر ۱۸ سال کودک‌همسری، اما روابط جنسی و سقط جنین دختر ۱۰ساله مجاز است!**

## زهرآ چیدری

**در کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک، سن قانونی از دواج ۱۸سالگی است. همین کنوانسیون‌ها اما برای افراد زیر ۱۸ سال حقوق جنسی و باروری در نظر گرفته‌اند و باید اطلاعات و خدمات لازم برای پیشگیری از بارداری به نوجوانان آموزش داده شود. کمیته حقوق کودک، میان «زدواج» و «روابط جنسی آزاد و مبتنی بر روابط دوستی» تفکیک قائل شده است و در همین راستا از دولت‌های عضو می‌خواهد که حداقل سن برای رضایت در برقراری روابط جنسی را نیز علاوه بر حداقل سن از دواج تعیین کنند. کمیته حقوق کودک از یک طرف، اصلاح**

**خانم دکتر تاجیک! امروز ما در جامعه با چالش جدی بحران جمعیت مواجهیم. از یک طرف سن ازدواج بالا رفته و از سوی دیگر خانم‌هایی هم کنه از دواج می‌کنند به دلایل مختلف فرزندآوری‌شان را به تعویق می‌اندازند. این مسئله از بعد فردی و اجتماعی چه اثراتی را در پی خواهد داشت؟**

متأسفانه سیستم پزشکی مدرن ما به هیچ وجه به خانم‌های نوجوان یا جوان نمی‌گوید که برای هر دو

ساله که از دوران ۱۷-۱۶ سالگی بارداری را به تأخیر

بیندازید، بدن به همان نسبت بازسازی‌اش را در دوران بعد از بارداری به تأخیر می‌اندازد.

وقتی یک خانم در سنین ۱۷-۱۶ سالگی باردار شود بدنش از نظر فیزیولوژیکی در کمتر از دو هفته به حالت

اول بازی می‌گردد و ترمیم زخم‌ها و تعادل هورمونی بعد از بارداری به تأخیر می‌اندازد.

یک خانمی که اولین بارداری‌اش را برای بعد از ۳۰ سالگی می‌گذارد، بدن از نظر فیزیولوژیکی خیلی سخت‌تر خود را بازسازی می‌کند اما پزشکان کمتر

اتفاق می‌افتد که این مسائل را به جامعه اطلاع‌رسانی کنند. توجه کنید که ما دو بخش داریم، سیستم علمی

یک بخش عملی دارد مثل یک پزشک که کارش را می‌گوید انجام ورزش‌های سنگین برای بیش از دو

سه ساعت در زنان و دختران جوان و نوجوان موجب

می‌شود که میزان تستوسترون در بدن آنها بالا برود و میزان استروژن و پروژسترون کاهش بیابد و با هر سه

خوردن تعادل هورمونی بدن ناباور می‌شود مشکل می‌گیرد. اگر این ورزش‌ها سنگین‌تر باشد، احتمال

نابابوری بالای‌می‌رود. در مورد ورزش‌های حرفه‌ای

الزاماً دختر جوان ما باید روزی ۶-۵ ساعت تمرین سنگین داشته باشد اما این اطلاعات را در اختیار

دختران ما قرار نمی‌دهند.

**آیا احتمال کاهش باروری در زنانی با ورزش‌های سنگین طبق شواهد و تحقیقات علمی است؟**

ببینید در علم ما می‌گوییم اگر یک اتفاق بیفتد و شرایطی ایجاد شود احتمال وقوع یکسری مسائلی بسیار بیشتر از سایر احتمالات است. موضوع افزایش

احتمال نابابوری در خانم‌هایی که ورزش‌های سنگین انجام می‌دهند هم بر اساس شواهد و مقالات علمی است. تحقیقات زیادی در حوزه اسپورتن مدیسن

وجود دارد و نتایج این مقالات ایسن موضوع را تأیید می‌کند.

فرض کنید یک نفر چهار فرزند می‌خواهد. این فرد بهتر است تا این فرزندآوری را در دهه ۲۰ زندگی

خودش برنام‌ریزی کند و کمتر برای دهه سوم زندگی بگذارد. موارد بسیاری با خانم‌های جوانی مواجه می‌شویم که به دلایل مختلف از جمله مسائل مالی و دغدغه‌های اقتصادی به رغم ازدواج در سنین نامناسب فرزندآوری خود را به تأخیر می‌اندازند اما باید به این افراد آگاهی داد که در عمل آن هزینه‌ای را که امروز به ازای اشتغال به دست می‌آورند، ممکن است در آینده و زمانی که تصمیم به داشتن فرزند گرفتند ناگزیر شوند برای درمان هر هزینه کنند. این آگاهی‌ها اگر به مردم داده شود اغلب افراد می‌توانند تصمیم بهتری بگیرند.

**حتما شما هم با واژه «کودک همسری» مواجه شده‌اید. آیا از دواج و به طور خاص بارداری برای خانم‌های کمتر از ۱۸ سال خطرناک است؟**

چند شواهد علمی هر ادعایی را تصدیق کند. کسی که

می‌گوید بارداری زیر ۱۸ سال خطرناک است برای این حرفش باید سند بیاورد. اسناد علمی کنونی این ادعا را تصدیق نمی‌کند. مگر اینکه ما بخواهیم القاهای

فرهنگی و رسانه‌ای را در این میان لحاظ کنیم. با القانات فرهنگی و رسانه‌ای یک دختر جوان ۱۸ ساله

که مادر شده تحت فشارهای روانی قرار می‌گیرد؛ به طور مثال اینکه تو یا باید درس بخوانی یا بچه‌دار شوی و این القانات است که گاهی موجب می‌شود

این فرد با تصور از دست دادن امتیازاتی نظیر ادامه تحصیل با مادر شدن در معرض افسردگی قرار بگیرد

نه خود بارداری و بچه‌دار شدن. در آمریکا هم عنوان می‌شود بارداری‌های تین‌ایجری خطرناک‌تر است.

چرا خطرناک‌تر است؟ زیرا این دختر نوجوان با تصور اینکه بارداری و فرزندش مانع زندگی و برنامه‌هایش

برای آینده می‌شود، اقدام به سقط می‌کند و خیلی

وقت‌ها این سقط با آسیب‌های جبران‌ناپذیر همراه است. اما از نظر بیولوژیکی برای این بارداری ساخته

شده است و هیچ مشکلی وجود ندارد. بحث‌های کودک همسری برای ازدواج یک دختر ۱۸ ساله

هم حکایت بازوهای جنگ نرم است و بدین منظور اصطلاحاتی استفاده می‌شود که بار و معنای بسیار

منفی داشته باشد و با گره خوردن به چیزهای دیگر بار معنایی آن را تغییر می‌دهند. درست شبیه اتفاقی که

برای همجنسگرایی رخ داده و با انتخاب رنگین کمان به عنوان نماد آن تلاش کردند تا بار معنایی مثبتی به

این کار بدهند تا تصور و رؤیای و خیالات شیرینی را که یک کودک از رنگین کمان به عنوان یک پدیده طبیعی

و زیبا داشته باشد، به یک حرام گره بزنند تا قبح آن

را کاهش دهند.

**از نظر رفتارشناسی چطور یک دختر ۱۷-۱۶ ساله به بلوغ عقلی و اجتماعی لازم برای اداره یک زندگی مشترک رسیده است یا ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود؟**

ببینید نگاه ما به زندگی اجتماعی باید سیستمی باشد و یک نگاه خطی نیست که بخواهیم بگوییم یک فرد به بلوغ می‌رسد در مرحله بعدی عاقل‌تر شده و ازدواج

می‌کند، در مرحله بعدی بچه‌دار می‌شود و به همین ترتیب پیش می‌رود. بعضی چیزها نیازمند یادگیری عملی است. تا زمانی که کسی بچه‌دار نشود با توصیف دیگران از فرزندآوری متوجه نمی‌شود ماجرا به چه صورتی است. اما وقتی کسی صاحب فرزند می‌شود ممکن است کارهایی را انجام دهد که تا پیش از آن به هیچ وجه راضی به انجام آن نبوده باشد اما آمدن فرزند می‌تواند فرد را زیر و رو کند. در رابطه با بحث بلوغ عقلی و اجتماعی برای ازدواج یا فرزندآوری هم باید بگوییم اگر در جامعه‌ای باشیم که فرد واحد اصلی جامعه باشد این مسئله مشکل‌ساز اما اگر در جامعه‌ای زندگی کنیم که خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی محسوب شود مشکلی وجود نخواهد داشت. به طور مثال در آمریکا‌کم همکاری داشتیم که وقتی بچه‌اش به دنیا می‌آمد مجبور بود بعد از چند روز بچه را بگذارد و سر کار بازگردد چون اگر به شغلش بازمی‌گشت ممکن بود آن را از دست بدهد.

**مگر از مادران شاغل حمایت نمی‌شود و مرخصی چند ماهه برای زایمان ندارند؟**

نه، در آمریکا اینگونه نیست و بسته به شغل مرخصی‌های چندروزه برای زایمان در نظر می‌گیرند و پس از آن باید سر کار برگردند. حمایت از مادران شاغل در کشورهای مختلف فرق می‌کند. در کشورهای سوسیالیستی همچون فرانسه و سوئد ساختارهای حمایتی وجود دارد اما در آمریکا یک هفته‌ای به



به تعویق انداختن بارداری به دلایل مختلف از جمله مسائل اقتصادی، آمادگی بدن زن را برای بارداری کاهش می‌دهد و پسا بالاتر زمین سن، بازسازی بدن بعد از بارداری سخت‌تر می‌شود



ممکن است باردار شود و ناگزیر باشد در سنین بسیار پایین جنینش را سقط کند تا نمایی دیگر از ظلم مضاعف به زنان در جوامع غربی را شاهد باشیم. همین دختر اگر از مسیر امن ازدواج وارد زندگی شود با واژه‌سازی کودک همسری مانع از ازدواج و تشکیل خانواده برای وی خواهند شد و حالا این تفکر در جامعه ما هم رسوخ کرده است. آن هم در شرایطی که با بالاتر رفتن سن ازدواج و کاهش نگران‌کننده شد جمعیت مواجهیم. به سراغ دکتر منصوره تاجیک دکتری علوم رفتاری و سلامت و فوق دکتری علوم تحقیقی و مشارکت جوامع علمی از دانشگاه کارولینا رفته‌ایم و با وی به عنوان کارشناسی که خودش تجربه سال‌ها زندگی دارد به گفت‌وگو نشستیم.ایم.

زن مرخصی زایمان داده می‌شود و بعد از آن حتی مرخصی بدون حقوق هم یک زمانی دارد و گرنه فرد کارش را از دست می‌دهد. بر این اساس خانمی که زایمان کرده اگر زوج باشند که در آمدشان نمی‌رسد و صورتی است. اما وقتی کسی صاحب فرزند می‌شود پس از یک هفته فرزندش را در مهدهای کودک بگذارد و خودش در آتش است. آن رابطه عاطفی که بین مادر و فرزند وجود دارد، موجب می‌شود این زن بسیار اذیت شود. اما این مسائل برای جامعه‌ای است که این زن را به صورت تک می‌بیند. اما در همان جامعه آمریکا هم در زیر گروه‌ها با اقوام اسپانیایی مواجه هستیم که از مکزیک به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و هنوز بافت خانوادگی چون قوی‌تر است فقط یک زن کنیم. بچه‌دار شده، یک مرد نیست که خانواده‌دار شده بلکه مادر بزرگ، خاله و عمه هم کمک می‌کنند.

**درست شبیه جامعه ایرانی که البته امروز چنین روابطی در جامعه ما هم کم‌رنگ شده است.**

بله و البته کم‌رنگ شدن ایسن چیزها در جامعه آسیب‌زااست. ما در علوم رفتاری به این می‌گوییم سرمایه اجتماعی. مسائلی همچون کمک همسایه به همسایه یا کمک مادر بزرگ که پس از بارداری نوازش ممکن است سه ماه بیاید و کنارش باشد و اینها با پول قابل جابه‌جایی نیست. در چنین ساختاری یک فرد بچه‌دار نشده بلکه یک خانواده و یک فامیل بچه‌دار شده است. بنابراین همه با هم به یک نحوی کمک می‌کنند. در ازدواج هم به همین صورت است و وقتی در ازدواج هم جنبه‌های خانوادگی مسئله رعایت شود، سرمایه‌های اجتماعی قوی‌تر شده و این زوج با مشکل کمتری مواجه می‌شوند. بنابراین از منظر رفتارشناسی و اجتماعی هم یک زن ۱۷-۱۶ ساله

اگر در ساختار خانواده باشد، می‌تواند بدون مشکل مادر شود. اما اگر به شکل فردی بخواهیم او را ببینیم و این دختر را به حال خودش رها کنیم، یقینا با مشکل مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر ما در جوامع غربی با این مسئله مواجهیم

### جمعیت پایدار



### الگوی خانواده کامل

### برای عبور از بحران جمعیت

■ صالح قاسمی\*

وقتی علل تغییر الگوی فرزندآوری را مرور می‌کنیم بسه دو موضوع کلان سسبک زندگی و اقتصاد می‌رسیم.

با تغییر سبک زندگی و چارچوب‌های ارزشی در سبک زندگی، نگرش‌ها، نیازها و کارکردهای فرزند هم دچار تغییر و دگرگونی‌شده. در ادامه رکورد اقتصادی هم باعث تشدید این روند کاهشی در فرزندآوری شد.

پس ریشه و علت اصلی تغییر الگوی فرزندآوری و کاهش آن در سبک زندگی و تنوع نگرش و فرهنگ بود اما اقتصاد در کنار این تغییرات قرار گرفت و این کاهش شاخص‌های جمعیت‌شناسی را تشدید کرد. اگر بپذیریم که این مسئله در

فرهنگ و سبک زندگی ریشه داشته است، به نظر می‌رسد همینطور هم باشد. به این ترتیب باید امروز هم در راهبردنگاری و هم در ارائه راهکار برای مقابله با بحران جمعیت توجه اصلی ما در حوزه فرهنگ و اصلاح نگرش باشد. اینجاست که تعاریف و مفاهیم ارزش‌گذاری‌های فرهنگی در جامعه اهمیت پیدا می‌کند. به بیان دیگر در موضوع فرزندآوری یکسی از مصادیق تعاریف و مفاهیم ارزش‌گذاری‌های فرهنگی می‌شود اینکه خانواده مطلوب از نگاه عموم جامعه چه خانواده‌ای است؟

برای پاسخ به این سؤال با توجه به اهمیت نگرش عمومی و تعریف جامعه از خانواده مطلوب، باید گفت امروز الگوی دقیقی در دنیا رایج شده که خانواده مطلوب را در ذهن جامعه اصلاح کند. در نگاه عموم جامعه خانواده‌ای ایده‌آل و مطلوب است که دو فرزند داشته باشد. بنابراین این الگو رایج می‌شود و اما هر ما هم همین را تأیید می‌کند اما وقتی این تعریف به چالش کشیده و اصلاح شود الگوی جامعه هم از تعریف خانواده مطلوب متأثر خواهد شد.

اما ببینیم دنیا در ایسن زمینه چگونه عمل کرده است؟

امروز در دنیا یک الگوی دقیق با تعریف دقیق علمی به وجود آمده تا نگرش جامعه نسبت به خانواده ایده‌آل و مطلوب را اصلاح کند و آن الگو، الگوی خانواده کامل است. حالا تعریف آن خانواده کامل چیست؟ خانواده‌های کامل محسوب می‌شود که همه اعضای آن خانواده روابط درون خانوادگی را تجربه کنند و این روابط را داشته باشند. این شکل از خانواده اگر تبدیل به الگوی رایج شود، ما را از بحران جمعیتی عبور می‌دهد و پیامدهای سالخوردمگی جمعیت را برای ما به حداقل می‌رساند و خیلی دقیق طراحی شده است.

در دنیا هم کار رسانه‌ای و هم کار علمی روی ترویج الگوی خانواده کامل در حال انجام است. ما هم باید در کشورمان خانواده کامل را الگوی مطلوب معرفی کنیم. ضمن اینکه باید الگویی را به خانواده‌های واقع‌بینانه‌ای که الگوی در دسترس و واقعی باشد. گاهی وقت‌ها با مواردی مواجه می‌شویم که خانواده‌ای با هفت، هشت یا ۱۰ فرزند را به عنوان الگو معرفی می‌کنند اما اینها الگوهای واقع‌بینانه‌ای که باعث تغییر نگرش بشوند، نیستند. این الگوها برای خانواده موجود است. الگوی رایجش دو فرزند است. یک الگوی دور از دست نیافتنی است. به عبارت دیگر الگوهای هفت، هشت، ۱۰ یا ۱۲ فرزند در حکایت سنگ بزرگی است که نشانه زدن نیست! در مقابل الگوی چهار فرزند ی اول‌الگویی در دسترس است، ثانیاً تعریف کاملا علمی دارد و ثالثاً در دنیا هم مقبول و مطلوب است می‌تواند امروز الگوی خانواده مطلوب و تراز خانواده ایرانی قرار بگیرد.

بنابراین پیشنهاد ما این است که امروز روی الگوی خانواده کامل ایرانی تمرکز داشته باشیم و در تبیین فرهنگی، رسانه‌ای، علمی و آیین‌نامه‌ای و قانونی این الگو هم‌افزایی کنیم.

■ **مسئول کارگروه جمعیت مرکز ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی نظام**

همه ادیان الهی همینطور هستند و خداوند به عنوان خالق بهتر می‌داند باید چه کند.

یعنی همان ساختاری که اسلام بر اساس روانشناسی زن و مرد و تفاوت ساختار و نگاهشان پیش‌بینی کرده است؟

همه ادیان الهی همینطور هستند و خداوند به عنوان خالق

بهرتر می‌رسد در مرحله بعدی عاقل‌تر شده و ازدواج

بهتر است تا این فرزندآوری را در دهه ۲۰ زندگی